

درس نامه توپ برای شب امتحان

پیامدهای کنش

هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد که شامل پیامدهای ارادی و پیامدهای غیرارادی می‌باشند. برای درک تفاوت این پیامدها از یکدیگر، به اطلاعات جدول زیر توجه کنید:

پیامدهای ارادی	پیامدهای غیرارادی
۱- پیامدهایی که به اراده انسان‌ها؛ یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر وابسته‌اند. ۲- این دسته از پیامدها خودشان کنش هستند و باید کنشگری آن‌ها را انجام دهد. ۳- پیامدهای ارادی کنش، احتمالی‌اند؛ یعنی ممکن است انجام بشوند یا نشوند.	۱- پیامدهایی که به اراده انسان‌ها بستگی ندارند. ۲- این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آن‌ها را انجام دهد بلکه نتیجه طبیعی کنش‌اند. ۳- پیامدهای غیرارادی کنش قطعی‌اند؛ یعنی حتماً انجام می‌شوند.

مثال: (پیامدهای ارادی)

۱ دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می‌کند و در پی آن، اولاً به سؤالات امتحانی پاسخ می‌دهد، ثانیاً استاد متناسب با تلاش این دانشجو به او نمره می‌دهد. پاسخ‌دادن به سؤالات امتحانی و نمره‌دادن استاد، پیامدهای ارادی کنش مطالعه کردن است که اولی به اراده خود کنشگر و دومی به اراده دیگری وابسته است.

۲ فردی سلام می‌کند، پاسخ‌دادن یا پاسخ‌ندادن او، پیامد ارادی کنش او محسوب می‌شود که به اراده جواب‌دهنده سلام وابسته است.

مثال: (پیامدهای غیرارادی)

۱ وقتی شما پنجره‌ها را باز می‌کنید، هوای کلاس عوض می‌شود.
 ۲ فردی که وضو می‌گیرد، دست و صورت او پاکیزه می‌شود.^۱

نکته: معمولاً انسان‌ها کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن‌ها انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها، به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند.

درس ۲: پدیده‌های اجتماعی

انواع کنش
کنش اجتماعی

شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی
معنادار بودن پدیده‌های اجتماعی

مفاهیم کلیدی

کنش فردی / کنش اجتماعی / دیگران / پدیده‌های اجتماعی / هنجار اجتماعی / ارزش‌های اجتماعی / پدیده‌های طبیعی

انواع کنش

کنش‌ها انواعی دارند. برخی از آن‌ها فردی و برخی اجتماعی‌اند.

کنش اجتماعی

کنش اجتماعی، نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود.

در کنش اجتماعی اراده و آگاهی کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آن‌ها است.

نکته: کنش اجتماعی تنها در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. (رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه‌شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین‌های مخفی، کنش اجتماعی است.)

۱- وضو سه اثر دارد: نظافت جسم، نشاط روح و تقرب و نزدیکی به خداوند متعال. (امام رضا (ع))

درس ۱: کنش‌های ما

کنش / کنشگر
ویژگی‌های کنش
پیامدهای کنش

مفاهیم کلیدی

کنش / کنشگر / آگاهانه بودن کنش / ارادی بودن کنش / هدف‌دار بودن کنش / معنادار بودن کنش / پیامدهای ارادی کنش / پیامدهای غیرارادی کنش

کنش / کنشگر

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» و به انجام‌دهنده آن «کنشگر» می‌گویند. بر این اساس، فعالیت‌هایی مانند نماز خواندن، مطالعه و ورزش کردن که با اراده و آگاهی ما انسان‌ها انجام می‌شوند، کنش محسوب می‌شوند، اما ضربان قلب و گردش خون در بدن، کنش محسوب نمی‌شوند.

ویژگی‌های کنش

کنش ما انسان‌ها، دارای ویژگی‌هایی هستند که در جدول زیر ملاحظه می‌کنید:

ویژگی‌های کنش	تعریف	مثال
۱- آگاهانه بودن	کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود.	- سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آن‌ها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم.
۲- ارادی بودن	کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی‌شود. پس برای انجام کنش، علاوه بر آگاهی، اراده انسان نیز ضروری است.	- شما پس از برگشت از دبیرستان، اراده می‌کنید که ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس.
۳- هدف‌دار بودن	فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود، اگرچه ممکن است همیشه به آن هدف نرسد.	- فردی از میان جمع برمی‌خیزد و با قصد و هدف خاصی (تغییر هوا) در و پنجره اتاق را باز می‌کند.
۴- معنادار بودن	با توجه به ویژگی‌های فوق، کنش انسان، برخلاف فعالیت سایر مخلوقات، معنادار است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند.	- دانش‌آموزی در کلاس، دست خود را بالا می‌آورد، معنای کار او اجازه خواستن از معلم است. معلم در صورتی می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را بیابد.

○ حالا یک مثال جالب در مورد معنادار بودن کنش:

بوق زدن راننده، یک کنش است که در موقعیت‌های مختلف، معانی متفاوتی دارد، مانند: سوار کردن مسافر / سلام کردن به یک دوست / خداحافظی از یک دوست دیگر! / اظهار شادی در عروسی / اعتراض به برخی رانندگان و ... می‌بینید، یک کنش و این همه معنا!



درس ۳: جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی)



مفاهیم کلیدی

جامعه / فرهنگ / جهان اجتماعی / لایه‌های فرهنگ / لایه‌های سطحی / لایه‌های عمیق / فرهنگ عمومی / خرده فرهنگ / خرده فرهنگ موافق / ضد فرهنگ / الزامات جامعه و فرهنگ / فرصت‌ها / محدودیت‌ها

جامعه و فرهنگ

جامعه، به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که برای سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می‌کنند؛ مانند جامعه ایران.

فرهنگ، شیوه زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند؛ مانند فرهنگ ایرانی. مصادیق فرهنگ عبارت‌اند از: نوع پوشش افراد جامعه، گویش‌ها، آداب و رسوم، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی و ...

لایه‌های فرهنگ



لایه‌های سطحی: این لایه‌ها شامل نمادها و هنجارها می‌باشند و امکان تغییر بیشتری دارند. لایه‌های عمیق: لایه‌های عمیق شامل ارزش‌ها و عقاید می‌باشند و این لایه‌ها کم‌تر در معرض تغییر قرار می‌گیرند، تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و در مقایسه با هنجارها و نمادها اهمیت بیشتری دارند.

نکته: تغییرات اساسی در لایه‌های عمیق فرهنگ، آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می‌کند. جامعه و فرهنگ را می‌توان به یک موجود زنده تشبیه کرد. جامعه مانند جسم و کالبد و فرهنگ همانند جان و روح آن است. جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد و فرهنگ، بدون جامعه پدید نمی‌آید.

جوامع مختلف، شیوه‌های متفاوتی برای زندگی با یکدیگر دارند؛ زیرا فرهنگ آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می‌نامند.

تقسیمات فرهنگ

فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ

در یک جامعه، شیوه زندگی مردم در همه مناطق یکسان نمی‌باشد. ما ایرانی‌ها، ایران را کشور خود می‌دانیم، از حقیقت دفاع می‌کنیم و ظلم و بی‌عدالتی را بد می‌شماریم و ... اما همه با گویش و لهجه واحدی سخن نمی‌گوییم. مردم در شهرهای مختلف ایران خصوصیات اخلاقی و رفتاری متفاوتی دارند.

آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی نام دارد. بخش‌هایی از فرهنگ که مربوط به قوم، قشر، صنف و گروه خاصی است، خرده فرهنگ نامیده می‌شود.

۱- جامعه و فرهنگ جدا از یکدیگر نیستند. جامعه و فرهنگ را «جهان اجتماعی» می‌نامند. جامعه را می‌توان به منزله سخت‌افزار و فرهنگ را به منزله نرم‌افزار آن در نظر گرفت.

نکته: کنش‌هایی که در حضور دیگران، ولی بدون توجه به آن‌ها اتفاق می‌افتد، کنش اجتماعی محسوب نمی‌شوند. (رفتار فردی که در کلاس درس حضور دارد ولی بی‌توجه به اطرافیان در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنش اجتماعی نیست.) اگر در عبارات ذکر شده دقت کرده باشید، متوجه می‌شوید «دیگران» در کنش اجتماعی نقش اساسی دارند. حالا این «دیگران» چه کسانی هستند؟

دیگران، یعنی کسانی که کنشگران، با توجه به آن‌ها دست به کنش می‌زنند؛ مانند: غریبه / آشنا / دوست / دشمن / گذشتگان / معاصرین / آیندگان / مؤمن / کافر / کنش ما در مقابل آن‌ها یکسان نیست و در برابر هر گروه، با آداب خاصی رفتار می‌کنیم.

پدیده‌های اجتماعی

به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی، خردترین (کوچک‌ترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن می‌باشند.

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و ... نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند.

شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی در ارتباط با یکدیگر شکل می‌گیرند. نمونه‌ای از این ارتباط، در مثال زیر بیان شده است:

فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در مکانی مطالعه می‌کند. (کنش انسانی) حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. او برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) باید آرام مطالعه کند. (پیدایش یک هنجار)

با توجه به این مثال، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟ هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی‌اند که مورد توجه و پذیرش‌اند و افراد یک جامعه، به آن‌ها گرایش و تمایل دارند.

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌های اجتماعی مانند عدالت، امنیت و آزادی محقق نمی‌شوند. «ارزش‌ها از جنس هدف و مقصود هستند و هنجارها از جنس وسیله و راه رسیدن به ارزش‌ها هستند.»

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ضروری می‌سازند تا ارزش‌ها و هنجارها را از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه، به افراد منتقل کنند. افراد نیز با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آن‌ها می‌شوند. تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان به همین طریق شکل می‌گیرند.

معنادار بودن پدیده‌های اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی را، انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و از آن‌جا که افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند.

پدیده‌های اجتماعی به مرور از انسان‌هایی که آن‌ها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی انسان‌ها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. در حالی که پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجه کنش‌های افراد هستند ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.

برای فهم معنادار بودن پدیده‌های اجتماعی در مقایسه با پدیده‌های طبیعی، به مثال زیر توجه کنید:

کوه یک پدیده طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌ای اجتماعی است. با مقایسه آن‌ها، می‌توان به نقش اراده و آگاهی انسان‌ها در به وجود آوردن پدیده‌های اجتماعی (ساختمان اداری) و در نتیجه معنادار بودن آن پی برد. حال آن‌که پدیده‌های محسوس و طبیعی (کوه) را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.

انواع خرده فرهنگ

خرده فرهنگ‌ها، به دو دسته تقسیم می‌شوند. تعاریف و مثال‌های مربوط به هر یک را در جدول زیر مشاهده می‌کنید:

انواع خرده فرهنگ	تعریف	مثال
۱- خرده فرهنگ موافق	خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی	- اقوام مختلف - اصناف (پزشکان، خبرنگاران، ...)
۲- خرده فرهنگ مخالف (ضد فرهنگ)	خرده فرهنگ‌های مخالف و ناسازگار با فرهنگ عمومی	(بزهکاران، سارقان، اوباش و گدایان)

الزامات جامعه و فرهنگ (فرصت‌ها/محدودیت‌ها)

آیا جامعه و فرهنگ صرفاً تابع خواست و اراده افراد هستند یا این که خود، الزام‌هایی دارد که بر کنش‌های ما تأثیر می‌گذارد؟

انسان‌ها با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جامعه و فرهنگ و تداوم آن‌ها مشارکت می‌کنند. چه کسانی در ساختن جامعه، نقش دارند؟ یکی از جامعه‌شناسان (اگوست کنت) معتقد است که سهم مردگان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه بیشتر از ماست، هم‌چنان که سهم ما در ساختن جامعه و فرهنگ آیندگان، بیشتر از آن‌هاست.

ما می‌دانیم؛ جامعه‌ای که در آن متولد شده‌ایم توسط گذشتگان پدید آمده است و باورها، ارزش‌ها و هنجارهای آن شکل گرفته‌اند. ولی ما انسان‌ها صرفاً کنشگر منفعل نیستیم. بنابراین می‌توانیم یا در جهت تداوم و پیشرفت جهان اجتماعی حرکت کنیم و یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.

تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، الزامات آن نیز باقی است. با تغییر جامعه و فرهنگ موجود و برداشته شدن الزام‌های آن، جامعه و فرهنگ جدیدی شکل می‌گیرد و پیامدهای دیگری را به دنبال می‌آورد.

پیامدهای جهان اجتماعی می‌توانند به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها ظاهر شوند. این فرصت‌ها و محدودیت‌ها مانند دو روی یک سکه به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند.

برای فهم بیشتر فرصت‌ها و محدودیت‌ها به مثال‌های زیر توجه کنید:

مثال ۱: قوانین راهنمایی و رانندگی: قوانین راهنمایی و رانندگی را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این قوانین از یک سو، برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد و از سوی دیگر، عمل کردن به آن‌ها فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را به دنبال دارد.

مثال ۲: زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند: زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد، مردم باید قواعد زبان را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند (محدودیت)، ولی زبان، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده را نیز فراهم می‌سازد (فرصت).

جوامع مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌هایشان و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد. برخی از جوامع، استعداد‌های معنوی انسان را نادیده می‌گیرند و فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند و برخی نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود از توانایی انسان در آباد کردن جهان استفاده نمی‌کنند.

مفاهیم کلیدی

فرهنگ آرمانی / فرهنگ واقعی / فرهنگ حق / فرهنگ باطل

فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی

مردمی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند؛ اهدافی مانند آزادی، امنیت، دفاع از مظلومان و ...؛ وقتی مردم مطابق آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. البته مردم همواره مطابق آرمان‌های جامعه خود عمل نمی‌کنند.

ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانبداری می‌کنند و رعایت آن را لازم می‌دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند، «فرهنگ آرمانی» نامیده می‌شود. آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می‌کنند «فرهنگ واقعی» نام دارد و جهان اجتماعی را می‌سازد.

رابطه و مرز بین فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی

مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی براساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه، آرمان‌ها وارد فرهنگ واقعی می‌شوند. اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در فرهنگ آرمانی رعایت آن‌ها لازم دانسته می‌شود، عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می‌گیرد.

وظیفه برنامه ریزان فرهنگی

برنامه ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق هر چه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند.

فرهنگ حق و فرهنگ باطل

واقعیت‌های هر جامعه را می‌توان براساس آرمان‌های آن ارزیابی کرد؛ اگر مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌هایشان عمل کنند، فاصله میان فرهنگ واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند، ولی آیا همه ارزش‌ها و آرمان‌ها درست‌اند و آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌ها نیز وجود دارد؟ آیا آرمان‌ها همواره حق‌اند یا ممکن است برخی از آن‌ها باطل باشند؟ بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، فرهنگ حق و بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، فرهنگ باطل است. نمونه‌هایی از ارزش‌های حق و باطل، در جدول زیر مشاهده می‌شود:

ارزش‌های باطل	ارزش‌های حق
شرک	عقیده به توحید
ظلم	وفای به عهد
بی‌عدالتی	عدالت
تجاوز به حقوق دیگران	حمایت از مظلومان

شناسایی حق یا باطل بودن بخش‌های مختلف فرهنگ

حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ با علم متناسب با همان بخش شناخته می‌شود. علوم تجربی می‌توانند درباره فنون و روش‌های اجرایی داوری کنند؛ مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه مداوای بیماران را با روش‌های تجربی می‌توان شناخت. حق یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را نمی‌توان با روش‌ها و علوم تجربی شناخت. عقل و وحی دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.

فرهنگ آرمانی و واقعی هر جامعه‌ای در زمان‌های مختلف تغییر می‌کند (مثلاً استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی، یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد). آرمان اجتماعی از یک جامعه به جامعه دیگر نیز متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه هستند؟ برخی حق با باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف وابسته می‌دانند، در حالی که این‌گونه نیست. به عبارت دیگر، حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها و هنجارها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آن‌ها تعیین نمی‌شود. نژادپرستی و شرک از عقاید و ارزش‌های باطل و توحید و عدالت، از عقاید و ارزش‌های حق‌اند و درستی آن‌ها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی‌کند.

درس ۴: ارزیابی فرهنگ‌ها

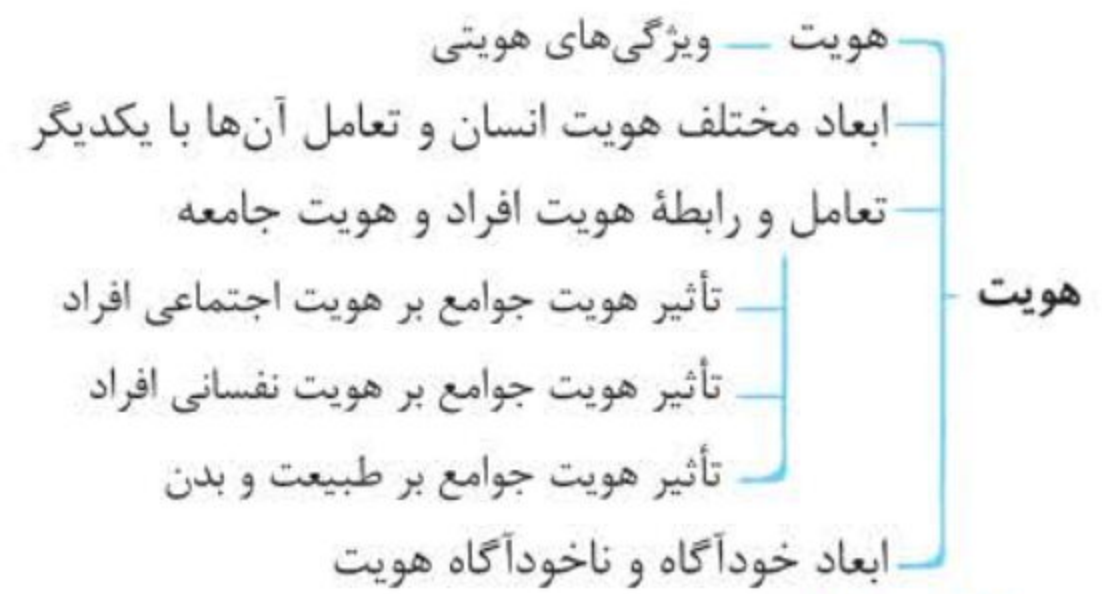


نحوه ورود عقاید و ارزش های حق به فرهنگ آرمانی و واقعی

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی وارد می کنند و با عمل کردن براساس این عقاید و ارزش ها، آن ها را به فرهنگ واقعی وارد می نمایند. اگر جوامع مختلف به حق ایمان نیاورند و مطابق آن عمل نکنند، به سوی باطل گام برمی دارند. بنابراین حقایق ثابت اند، ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان پذیرش حق و باطل وجود دارد، اما حق و باطل براساس گزینش آن ها دچار تغییر نمی شوند.

نکته: فرهنگ حق، معیار ارزیابی همه فرهنگ ها است.

درس ۵: هویت



مفاهیم کلیدی

هویت / ویژگی انتسابی / ویژگی اکتسابی / ویژگی ثابت / ویژگی متغیر / ویژگی فردی / ویژگی اجتماعی / ابعاد سه گانه هویت (نفسانی، جسمانی، اجتماعی) / هویت آگاهانه (خودآگاه) / هویت ناخودآگاه

هویت

افراد در موقعیت های گوناگون با پرسش «کیستی؟» مواجه می شوند. آن چه در پاسخ به پرسش «کیستی؟» گفته می شود و با آن، شخص از افراد دیگر متمایز می گردد، هویت فرد را تشکیل می دهد.

ویژگی های هویتی

ویژگی های هویتی را می توان به صورت های زیر طبقه بندی کرد:

انتسابی / اکتسابی

انتسابی	ویژگی های هویتی که ما در شکل گیری آن ها نقشی نداریم. (مانند دختر یا پسر بودن)
اکتسابی	ویژگی های هویتی که خودمان آن ها را شکل می دهیم یا در شکل گیری آن ها سهم زیادی داریم. (مانند صفات اخلاقی و روانی)

نکته: بعضی ویژگی ها هستند که ما در به دست آوردن آن ها نقشی نداریم، اما می توانیم با تلاش خود آن ها را تغییر دهیم؛ مانند «موقعیت اجتماعی» که در زمان تولد از طریق خانواده به ما داده می شود، ولی ما در طول زندگی می توانیم آن را تغییر دهیم.

ثابت / متغیر

ثابت	برخی از ویژگی های هویتی تغییر نمی کنند؛ (مانند زمان و مکان تولد)
متغیر	برخی از ویژگی های هویتی تغییر می کنند؛ (مانند جایگاه فرد در جامعه که تابع دانایی، توانایی و دارایی اوست).

فردی / اجتماعی

فردی	برخی ویژگی ها، فردی هستند. (مانند زنگی یا تنبلی، صبوری یا زودرنجی)
اجتماعی	ویژگی هایی که با عضویت در گروه های اجتماعی و در ارتباط با دیگران شکل می گیرد. (مانند عضویت در جامعه ایران و ایرانی بودن)

ابعاد مختلف هویت انسان و تعامل آن ها با یکدیگر

هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و نفسانی است، بنابراین هویت انسان دارای سه بعد می باشد:

۱) جسمانی (بدن)

۲) نفسانی (نفس و ویژگی های اخلاقی و روانی)

۳) اجتماعی (نقش ها و عضویت فرد در جامعه)

سه بعد هویت ما، با هم تعامل و ارتباط متقابل و دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می گذارند. نمونه هایی از این اثرگذاری ها، در مثال های زیر مشاهده می شود:

مثال ۱: ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان ها می شود.
بعد جسمانی ← بعد نفسانی

مثال ۲: برخی بیماری های جسمانی به کمک قوای روانی درمان می شوند.
بعد نفسانی ← بعد جسمانی

مثال ۳: یک انسان باتقوا، جهانی را تغییر می دهد.
بعد نفسانی ← بعد اجتماعی



تعامل و رابطه هویت افراد و هویت جامعه

تأثیر هویت جوامع بر هویت اجتماعی افراد

هویت هر جامعه ای، براساس عقاید، آرمان ها و ارزش های آن جامعه شکل می گیرد؛ بنابراین هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و براساس عقاید و ارزش های آن شکل می گیرد. در جامعه قبیله ای: هویت اجتماعی افراد اغلب براساس جایگاه آن ها در قبیله مشخص می شود. در جامعه سرمایه داری: هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آن ها وابسته است.

در جامعه دینی (مانند اسلام): هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزش های اسلامی (تقوا، عدالت و علم) تعیین می شود.

تأثیر هویت جوامع بر هویت نفسانی افراد

هر جامعه ای با توجه به عقاید و ارزش هایش، با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را تضعیف می کند. برای مثال، فرهنگ متجدد با ویژگی های فردگرایی، انضباط، تجمل گرایی، رفاه طلبی و مال اندوزی سازگار است و با ویژگی های قناعت، بندگی خدا، تقوا و توکل سازگار نیست.

تأثیر هویت جوامع بر طبیعت و بدن

هر جامعه ای براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می کند. فرهنگ غرب، نگاه دنیوی فرهنگ غرب به گونه ای است که هر دخل و تصرفی در طبیعت و بدن را مجاز می داند. برگزاری مسابقات بین المللی زیبایی و نمایشگاه های مُد، از توجه و تمرکز فرهنگ غرب بر بعد جسمانی هویت حکایت می کند. فرهنگ اسلام؛ در این فرهنگ، انسان به عنوان خلیفه خداوند و وظیفه آبادانی طبیعت را بر عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد برخلاف اراده الهی در جهان طبیعت و بدن خود تصرفاتی انجام دهد.

ابعاد خودآگاه و ناخودآگاه هویت

بخشی از هویت ما، آگاهانه (خودآگاه) است؛ یعنی آن را می شناسیم یا دیگران به آن پی می برند و برایمان بازگو می کنند.

بخش دیگر (هویت ناخودآگاه)، برای ما پنهان است و آن را نمی شناسیم. برای شناخت بیشتر خود، از والدین، دوستان، مشاوران، روان شناسان، فیلسوفان و ... کمک می گیریم. جامعه شناسان و انسان شناسان درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می کنند. پیامبران و اولیای الهی نیز، درباره بعد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان ها سخن گفته اند. ما گاه در شناخت ویژگی های هویتی خود و دیگران دچار اشتباه می شویم. وجود نظرات متفاوت درباره هویت، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

درس ۶ بازتولید هویت اجتماعی



مفاهیم کلیدی

جامعه‌پذیری / کجروی اجتماعی / تبلیغ و اقناع / تشویق و پاداش / تنبیه و مجازات / کنترل اجتماعی / امر به معروف / نهی از منکر / تحرك اجتماعی / انواع تحرك اجتماعی (صعودی، نزولی، افقی) / فرصت‌های تحرك اجتماعی / تحرك اجتماعی درون‌نسلی / تحرك اجتماعی میان‌نسلی

تداوم هویت اجتماعی

جامعه‌پذیری

هر فرد در جامعه‌ای متولد می‌شود که به وسیله نسل‌های قبل از او ساخته شده است. این جامعه پس از تولد فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد. هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم خود، عقاید، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جامعه، این عقاید، ارزش‌ها و شیوه زندگی در جامعه را فرا می‌گیرد و با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود. به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌دادن به هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، «جامعه‌پذیری» می‌گویند. خانواده، مدرسه، مسجد و رسانه‌های جمعی از عوامل جامعه‌پذیری و آشنایی افراد با جامعه هستند.

کجروی اجتماعی

گاهی فرایند جامعه‌پذیری با موفقیت همراه نیست. برخی افراد، از پذیرش عقاید و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سر باز می‌زنند، به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند و نقشی را که جامعه از آن‌ها انتظار دارد، نمی‌پذیرند و رفتارهایی مخالف انجام می‌دهند. به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، **کجروی اجتماعی** می‌گویند.

هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری از کجروی‌های اجتماعی و کنترل آن‌ها، از روش‌های زیر استفاده می‌کند:

- تبلیغ و اقناع:** جامعه می‌کوشد تا از طریق آموزش، افراد را قانع کند که عقاید و ارزش‌های جامعه را بپذیرند.
- تشویق و پاداش:** جامعه به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد.
- تنبیه و مجازات:** جامعه کسانی را که دچار کجروی اجتماعی شده باشند، مجازات می‌کند.

کنترل اجتماعی

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، **کنترل اجتماعی** می‌گویند. جامعه‌ای که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، **۱** در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد و **۲** دوام و بقای آن تهدید می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی است.

تغییر هویت اجتماعی

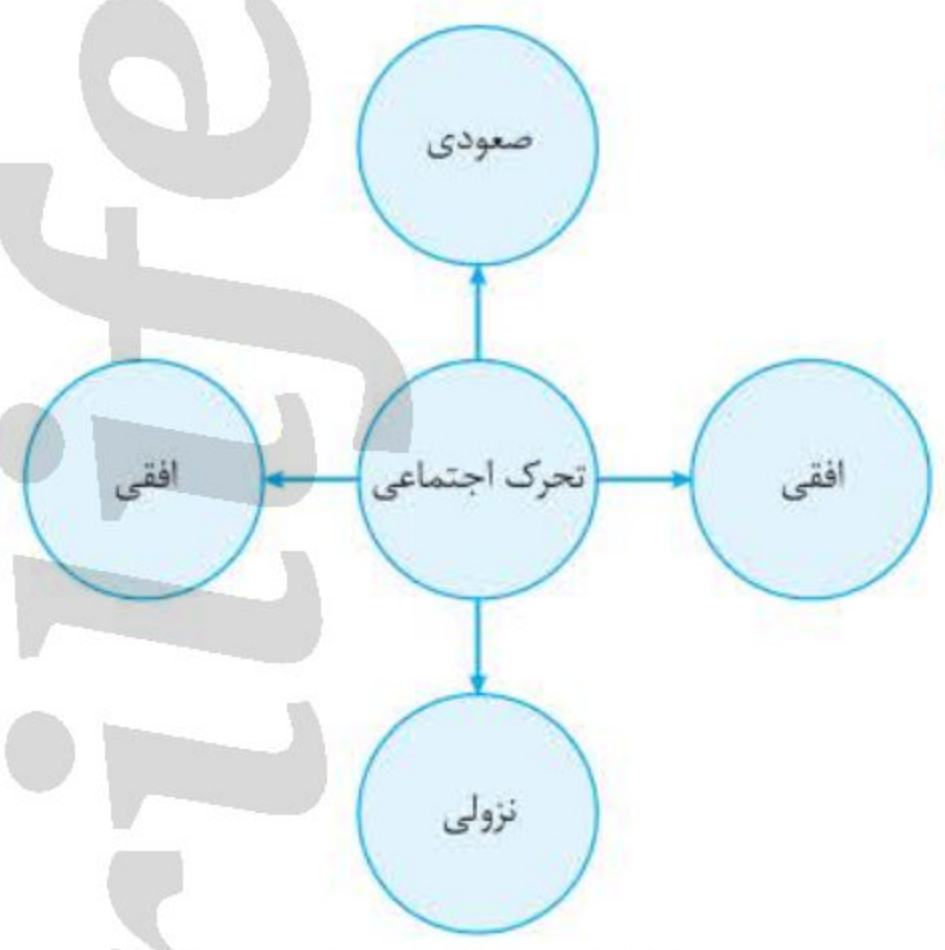
تحرك اجتماعی

موقعیت اجتماعی یک فرد (یعنی جایگاه فرد در جامعه یا یک گروه اجتماعی) ممکن است در طول زندگی او تغییر کند که در این صورت، فرد تحرك اجتماعی خواهد داشت. افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی در محیط خانواده و ... می‌پذیرند و به تدریج با فعالیت‌هایشان، هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

به جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی، به موقعیت اجتماعی دیگر، **تحرك اجتماعی** می‌گویند.

انواع تحرك اجتماعی

تحرك اجتماعی انواعی دارد که عبارت‌اند از: صعودی، نزولی و افقی.



مثال: کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از اداره می‌شود و یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرك اجتماعی صعودی پیدا کرده‌اند.

مثال: مدیر اداره هنگامی که از مدیریت عزل می‌شود و به صورت کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرك اجتماعی نزولی دارد.

مثال: اگر شخصی شغل خود را تغییر دهد و شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرك اجتماعی افقی دارد. مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر انتقال پیدا می‌کند.

تحرك اجتماعی گاه درون یک نسل، یعنی برای یک فرد در طول زندگی خودش (درون‌نسلی) و گاه در دو نسل، یعنی برای یک فرد نسبت به والدینش اتفاق می‌افتد (میان‌نسلی).

با این‌که در همه کشورهای رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد، ولی این رتبه‌بندی در همه کشورهای یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها اهمیت بیشتری دارند و در برخی کشورها کم‌اهمیت‌ترند. علاوه بر این، موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آن‌ها نیست، بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام نیز بستگی دارد.

فرصت‌های تحرك اجتماعی در جوامع مختلف

فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرك اجتماعی در جوامع مختلف، یکسان نیست. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌های خود برخی تحرك‌های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند.

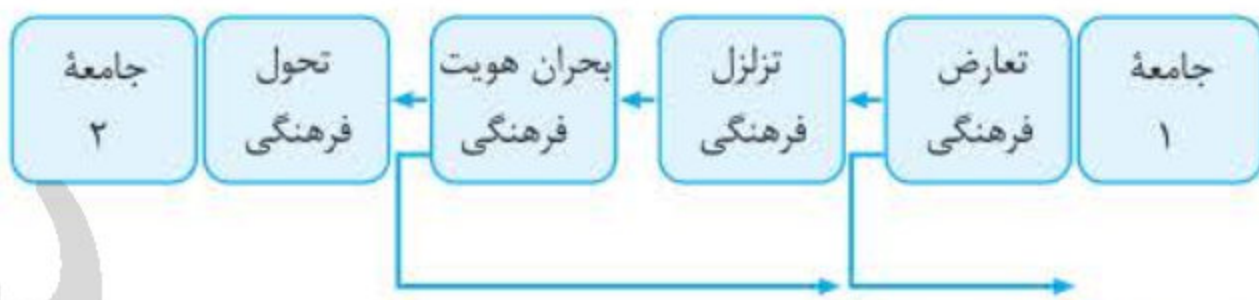
در جدول زیر، فرصت‌ها و محدودیت‌های افراد برای تحرك صعودی را در انواع جوامع مشاهده می‌کنید:

انواع جوامع	فرصت‌ها و محدودیت‌های افراد برای تحرك صعودی
جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد. (آپارتاید)	صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان تحرك اجتماعی صعودی فراهم است.
جامعه‌ای که به ارزش‌های اقتصادی اهمیت می‌دهد.	تحرك اجتماعی صعودی، فقط برای کسانی که ثروت دارند.
جامعه غیردینی	به هویت دینی و معنوی افراد اجازه بروز نمی‌دهد. مانند جلوگیری از تحصیل دختران باحجاب در برخی جوامع غربی.
جامعه دینی و معنوی	هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی وجود انسان را نادیده بگیرند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

درس ۷ تحولات هویتی جامعه



اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جامعه را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات خود را در زندگی مردم از دست می‌دهند؛ در نتیجه تداوم چنین وضعیتی، جامعه دیگر نمی‌تواند از عقاید و ارزش‌هایش دفاع کند و آن‌ها را حفظ نماید. در این صورت، راه برای تحول هویت فرهنگی جامعه باز می‌شود و جامعه به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌شود و هویت آن متحول می‌شود. ترتیب مراحل مختلف تحولات هویتی در نمودار زیر نشان داده شده است:



انواع تحولات فرهنگی

تحولات فرهنگی می‌توانند مثبت یا منفی باشند. ویژگی‌های مربوط به هر یک در جدول زیر آمده است:

انواع تحولات فرهنگی	ویژگی‌ها	مثال
مثبت +	۱- اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد. ۲- جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است.	تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی
منفی -	۱- اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد. ۲- جهت تغییرات به سوی باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است.	تحول جامعه نبوی به جامعه اموی

علل تحولات فرهنگی

علل درونی*	۱- یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد جامعه مربوط می‌شود. ۲- یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در فرهنگ جامعه باز می‌گردد.
علل بیرونی	علت بیرونی تحولات فرهنگی، روبه‌رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است.

* **مثال:** اگر فرهنگ یک جامعه توان پاسخگویی به نیازهای طبیعی، جسمی یا فطری و معنوی انسان‌ها را نداشته باشد، آن جامعه نشاط خود را از دست می‌دهد و گرفتار یأس و ناامیدی می‌شود و زمینه برای تحولات فرهنگی فراهم می‌گردد.

انواع ارتباطات فرهنگی جوامع با یکدیگر

ارتباط جوامع مختلف با یکدیگر متداول و پذیرفته است و می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد:

الف گاهی روابط در محدوده نمادها، هنجارها و سبک‌های زندگی است.

ب گاهی در سطح عقاید و ارزش‌های اجتماعی است.

ارتباط میان جوامع، گاه زمینه گسترش و پیشرفت یک جامعه را فراهم می‌آورد و گاه به تحولات فرهنگی منجر می‌شود. نمونه‌هایی از این تحولات فرهنگی عبارت‌اند از:

۱) اگر یک جامعه با حفظ عقاید و ارزش‌های خود با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدوده هنجارها و سبک‌های زندگی، عناصری را از جوامع دیگر بگیرد و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آن‌ها پدید آورد، زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

هویت اجتماعی افراد / هویت فرهنگی جامعه

شکل‌گیری هویت فرهنگی جامعه

رابطه هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جامعه

دوام هویت فرهنگی جامعه

فرایند تحولات هویتی جامعه

انواع تغییرات هویتی

انواع تحولات فرهنگی

علل تحولات فرهنگی

انواع ارتباطات فرهنگی جوامع با یکدیگر

خودباختگی فرهنگی

از خودبیگانگی فرهنگی و انواع آن

شناخت حقیقت انسان و جهان از دیدگاه قرآن

مفاهیم کلیدی

هویت اجتماعی افراد / هویت فرهنگی جامعه / دوام هویت فرهنگی جامعه / تحولات هویتی / تحولات فرهنگی / تحول فرهنگی مثبت / تحول فرهنگی منفی / علل درونی تحولات فرهنگی / علل بیرونی تحولات فرهنگی / ارتباطات فرهنگی / خودباختگی فرهنگی / جامعه خودباخته / غرب‌زدگی / از خودبیگانگی / از خودبیگانگی فرهنگی / از خودبیگانگی تاریخی / از خودبیگانگی فطری (حقیقی)

هویت اجتماعی افراد / هویت فرهنگی جامعه

هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آن‌ها است؛ برای مثال شهری، روستایی و عشایری بودن ما، نتیجه عضویت در یک شهر، روستا یا ایل است. هر جامعه‌ای هم هویت خاصی دارد که هویت فرهنگی آن جامعه نامیده می‌شود.

شکل‌گیری هویت فرهنگی جامعه

هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد؛ یعنی هرگاه اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش‌هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می‌آید.

رابطه هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جامعه

هویت فرهنگی جامعه گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است و هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می‌گیرد. بنابراین:

هویت اجتماعی افراد > هویت فرهنگی جامعه

دوام هویت فرهنگی جامعه

۱) هویت فرهنگی جامعه تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن، مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آن‌ها مهم باشد ← دوام می‌آورد.

۲) هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند ← تداوم هویت فرهنگی آن جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

فرایند تحولات هویتی جامعه

انواع تغییرات هویتی

افراد می‌توانند هویت اجتماعی خود را تغییر دهند. این تغییرات می‌تواند به صورت‌های زیر باشد:

۱) تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتد و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشد، مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می‌گیرد. برای مثال، فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می‌بخشد از طرف جامعه، تأیید و تشویق می‌شود.

۲) گاهی تغییرات هویتی افراد، مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نیست و شیوه‌هایی از زندگی را به دنبال می‌آورد که با عقاید و ارزش‌های جامعه ناسازگار است و اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد.

شناخت حقیقت انسان و جهان از دیدگاه قرآن

از نظر قرآن کریم، انسان هنگامی می‌تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که با نگاه توحیدی به انسان و جهان بنگرد. فراموش کردن خداوند، سبب می‌شود که انسان خود را نیز فراموش کند. براساس این نگاه، تنها فرهنگ توحیدی است که انسان را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. فرهنگ اساطیری و فرهنگ دنیوی آدمی را از حقیقت جهان و حقیقت خود بیگانه می‌کند.

مثال: به دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری‌های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آن‌ها (آثار فلسفی، پزشکی، نجوم و ریاضی) را اخذ کردند، اما عناصر مشرکانه این دو فرهنگ (آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌ها) را نپذیرفتند.

۲ اگر جامعه‌ای در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش‌های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می‌شود.

مثال: مصر باستان و ایران باستان در ارتباط با جوامع اسلامی، عقاید و ارزش‌های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی ملحق شدند.

۳ ممکن است یک جامعه در مواجهه با جامعه دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از فرهنگ آن جامعه هویت جدیدی به دست آورد؛ بدون این که عقاید و ارزش‌های جامعه مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود.

مثال: جوامع غربی پس از رویارویی با جوامع اسلامی در جریان جنگ‌های صلیبی، بدون این که به جامعه و فرهنگ اسلامی بپیوندند، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطی، به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند. (منظور از فرهنگ سکولار، فرهنگ دنیوی و این جهانی است.)

خودباختگی فرهنگی

در تعامل و دادوستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به طور فعال و خلاق و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر روبه‌رو شوند. اما اگر اعضای یک جامعه، مبهوت و مقهور جامعه دیگر شوند و حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی جامعه دیگر از دست بدهند، دچار «خودباختگی فرهنگی» می‌شوند.

از ویژگی‌های جامعه خودباخته، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ جامعه خودباخته، عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می‌پذیرد.
- ۲ به روش تقلیدی عمل می‌کند.
- ۳ ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می‌دهد.
- ۴ نه می‌تواند فرهنگ خود را تداوم بخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند به جامعه دیگری که شیفته و مبهوت آن شده است، ملحق شود. به عبارت دیگر، از این جا رانده ... و از آن جا مانده ...!

بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و دچار خودباختگی فرهنگی گشتند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را «غرب‌زدگی» می‌نامند.

از خود بیگانگی فرهنگی و انواع آن

در زبان فارسی «بیگانه» در مقابل «خودی» به کار می‌رود. در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود. به این وضعیت از خود بیگانگی می‌گویند. جوامع نیز ممکن است دچار از خود بیگانگی شوند که به آن، از خود بیگانگی فرهنگی گفته می‌شود؛ به دلیل این که هویت جوامع را، فرهنگ آن‌ها تعیین می‌کند.

از خود بیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد که در جدول زیر، به آن اشاره شده است:

۱- از خود بیگانگی تاریخی	وقتی یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خود بیگانگی تاریخی می‌شود. مانند جامعه خودباخته‌ای که در مواجهه با جامعه دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می‌برد.
۲- از خود بیگانگی حقیقی (فطری)	زمانی که عقاید و ارزش‌های یک جامعه، مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، از خود بیگانگی حقیقی به وجود می‌آید. در فرهنگ‌هایی که براساس فطرت انسان شکل گرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، انسان‌ها از حقیقت خود و حقیقت هستی دور می‌مانند.

درس ۸ بعد فرهنگی هویت ایران

هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام

تأثیر اسلام بر هویت ایرانی

واکنش جوامع اسلامی در برابر هجوم اقوام مختلف

برخورد جوامع غربی در برابر جوامع اسلامی

واکنش متفکران ایرانی، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب

تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر تعاملات فرهنگی

تأثیر انقلاب اسلامی بر هویت ایرانی

تأثیر انقلاب اسلامی بر سایر جوامع (جوامع اسلامی / جوامع غربی)

تحولات هویت ایرانی در گذر زمان

مفاهیم کلیدی

هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام / هویت ایرانی پس از اسلام / فرهنگ اساطیری / تأثیر رسانه‌ها بر تعاملات فرهنگی / انقلاب و پیامدهای آن / تحولات هویتی / انقلاب اسلامی ایران

هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. (فرهنگ اساطیری به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات فوق طبیعی است.)

پیش از اسلام، اقوام مختلف ایرانی با هویت‌های قومی متفاوت، در عقاید و ارزش‌های آیین زرتشت که با آموزه‌های اساطیری در آمیخته بود، هویت فرهنگی واحدی پیدا کرده بودند.

تأثیر اسلام بر هویت ایرانی

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری خود را کنار گذاشتند و به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند.

ایران، با پذیرش عقاید و ارزش‌های اسلامی، به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی، بخشی از هویت جهان اسلام شد.

زبان فارسی دری، به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، به عنوان زبان دوم جهان اسلام، مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و عثمانی را درنوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام، از هندوستان و تبت، تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان، گسترش یافت.

حکیمان و شاعران ایرانی (مولوی، سعدی، حافظ و ...) خدمات بی‌نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهای تولید کردند که مسلمانان برای دستیابی به آن‌ها، نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.

واکنش جوامع اسلامی در برابر هجوم اقوام مختلف

جوامع اسلامی، از جمله ایران، با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده‌اند. مسلمانان، در جنگ‌های صلیبی ← مهاجمان را دفع کردند.

در حمله مغول ← مهاجمان را درون فرهنگ خود جذب و هضم کردند.

درس ۹ بعد سیاسی هویت ایران



مفاهیم کلیدی

هویت سیاسی / قدرت / قدرت فردی / قدرت اجتماعی / جلب تبعیت / تبعیت با رضایت / تبعیت با کراهت / مقبولیت / مدار مقبولیت / اقتدار / مدار مشروعیت / مشروعیت حقیقی / مشروعیت دروغین / سیاست / نظام سیاسی / تعامل نظام سیاسی و نظام فرهنگی / ملاک‌های دسته‌بندی نظام‌های سیاسی / جمهوری / دموکراسی / مدینه فاضله / جوامع جاهله / لیبرالیسم / دموکراسی / لیبرال دموکراسی / جمهوری اسلامی (مردم‌سالاری دینی)

مفاهیم سیاسی

هر جامعه علاوه بر هویت فرهنگی، از هویت سیاسی نیز برخوردار است، به همین دلیل در معرفی یک جامعه، به ویژگی‌های سیاسی، از جمله نظام سیاسی آن نیز اشاره می‌شود. برخی از پدیده‌هایی که هویت سیاسی یک جامعه (ایران) را نشان می‌دهند، عبارت‌اند از: پرچم جمهوری اسلامی ایران، مرزهای سیاسی، نیروهای مسلح، شوراهای اسلامی شهر و روستا، احزاب و گروه‌های سیاسی، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، مجلس خبرگان، رهبری، قانون اساسی و ...

به منظور شناخت انواع نظام‌های سیاسی و درک رابطه و نسبت هویت سیاسی و هویت فرهنگی یک جامعه، لازم است با مفاهیم سیاسی زیر آشنا شوید:

قدرت و انواع آن: انسان به دلیل این که کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد، دارای قدرت می‌باشد و کنشگری قدرتمند است.

انسان دو نوع قدرت دارد: **قدرت فردی و قدرت اجتماعی.** قدرت فردی انسان محدود است و برای رفع برخی نیازهایش به کمک دیگران احتیاج دارد.

قدرت اجتماعی هنگامی پدیدار می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند. علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

جلب تبعیت: قدرت اجتماعی، بدون توافق و پذیرش دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آن چه از آن‌ها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاشتن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، **جلب تبعیت** آن‌ها است. جلب تبعیت به دو صورت ممکن است:

۱) **تبعیت با کراهت:** تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد.

۲) **تبعیت با رضایت:** تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

مقبولیت: قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید، دارای مقبولیت است. مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود.

اقتدار: قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد.

مدار مشروعیت: حق و باطل بودن

- ۱) مشروعیت حقیقی
- ۲) مشروعیت دروغین

مشروعیت حقیقی: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد. **مشروعیت دروغین:** اگر قدرت موافق با ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

بر خورد جوامع غربی در برابر جوامع اسلامی

در نخستین رویارویی‌ها، قدرت سیاسی و نظامی جوامع غربی، جوامع اسلامی را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت کشورهای اسلامی القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی (از جمله در ایران) رواج پیدا کند.

در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا اساطیری نیست، بلکه دنیوی است. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی، به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می‌شود و امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند.

واکنش متفکران ایرانی در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب

متفکران ایرانی از دهه سی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب، کتاب‌ها و آثاری را پدید آوردند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

نام کتاب	نویسنده
غرب‌زدگی	جلال آل احمد
بازگشت به خویشتن	دکتر شریعتی
خدمات متقابل اسلام و ایران / فطرت	استاد مطهری

تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر تعاملات فرهنگی

از تأثیرات رسانه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف‌کنندگان فرهنگی منتقل کرده است.

۲) فضای مجازی، تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنجارها به عمق عقاید و ارزش‌ها می‌کشاند.

در نتیجه ← عقاید و ارزش‌های فرهنگ‌های توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی با کمیت و کیفیت نابرابر در دسترس همه قرار می‌گیرند و بدین ترتیب، رسانه‌ها و فضای مجازی عرصه مهم‌ترین منازعه هویتی می‌شوند.

تأثیر انقلاب اسلامی بر هویت ایرانی

انقلاب‌ها، از مهم‌ترین تحولات جوامع هستند و دارای پیامدهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و هم‌چنین پیامدهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... می‌باشند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، **تحولات هویتی** است.

انقلاب اسلامی ایران، نه تنها تأثیراتی بر هویت ایران و ایرانی داشته، بلکه دارای تأثیرات هویتی بر سایر جوامع (اسلامی / غربی) نیز بوده است.

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک قرن مقاومت هویت اسلامی - ایرانی جامعه ما در برابر هجوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، صرفاً بازگشت به هویت تاریخی و جغرافیایی نبود، بلکه بازگشت به هویت توحیدی و معنوی خویش بود. جامعه ایران به رهبری امام خمینی (ره) و با تکیه بر آموزه‌های قرآن و اهل بیت (ع) به هویت اسلامی خود بازگشت و از مرزهای جامعه ایمانی خود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت در عرصه‌های مختلف تا امروز ادامه یافته است.

تأثیر انقلاب اسلامی بر سایر جوامع (جوامع اسلامی / جوامع غربی)

۱) **تأثیر انقلاب اسلامی بر جوامع اسلامی**

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به قلب تپنده بیداری اسلامی تبدیل شد. جوامع اسلامی با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویر فرهنگ غربی، جست‌وجو می‌کنند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می‌گردد.

۲) **تأثیر انقلاب اسلامی بر جوامع غربی:**

انقلاب اسلامی ایران، افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب گشود و نظریه‌پردازان غربی، که طی قرن بیستم، غربی‌شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به بازبینی نظریات پیشین خود فراخوانده است.

دسته‌بندی نظام‌های سیاسی از نظر ارسطو

براساس خواست و میل حاکم	براساس حقیقت و فضیلت	روش حکومت تعداد حاکمان
استبدادی	موناشری	فرد
الیگارش	آریستوکراسی	اقلیت
دموکراسی	جمهوری	اکثریت

تفاوت حکومت جمهوری و دموکراسی از نظر ارسطو

ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته‌های آن‌ها باشد، دموکراسی می‌نامد؛ زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و مردم براساس خواسته‌ها و تمایلات خود حکومت می‌کنند.

ارسطو، حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می‌خواند.

ملاک‌های دسته‌بندی نظام‌های سیاسی از نظر فارابی

فارابی، علاوه بر ملاک‌های اول و دوم، ملاک سوم (دین‌مداری یا دنیامداری) نظام‌های سیاسی را نیز در نظر می‌گیرد.

به نظر فارابی، مدینه فاضله، جامعه‌ای است که براساس قوانین الهی شکل می‌گیرد. او جوامعی را که آرمان‌ها و ارزش‌های آن‌ها، الهی و عقلانی نباشد، جوامع جاهله می‌نامد و آن‌ها را به اقسامی تقسیم می‌کند.

لیبرال دموکراسی / جمهوری اسلامی

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دو نوع نظام سیاسی شناخته‌شده در دنیای امروز هستند. ویژگی‌های اصلی این دو نظام در ادامه آمده است:

ویژگی‌ها	نظام سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> - لیبرالیسم: مباح‌دانستن همه امور برای انسان‌ها - دموکراسی: حاکمیت مردم - لیبرال دموکراسی: نوعی نظام سیاسی که ادعا می‌کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد و هیچ حقیقت و فضیلتی را به رسمیت نمی‌شناسد. - حکومتی دنیوی و این جهانی است. - این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است. 	لیبرال دموکراسی
<ul style="list-style-type: none"> - نوعی نظام سیاسی که در جهان اجتماعی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. - عنوان «جمهوری» به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی می‌باشد. - کلمه «اسلامی» نشان‌دهنده این است که فعالیت‌ها براساس عقاید اسلامی سازمان پیدا می‌کنند. - در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و ذیل اراده و مشیت الهی شکل می‌گیرند. - عدالت، استقلال، آزادی، امنیت و عقلانیت از ارزش‌های این نظام سیاسی هستند. 	جمهوری اسلامی (مردم‌سالاری دینی)

در ادامه، به برخی از ارزش‌های اجتماعی اسلامی و تفسیر آن‌ها اشاره می‌شود:

- در نگاه اسلامی، اغلب ارزش‌های اجتماعی (مانند آزادی، عمران و آبادانی، مشارکت در امور عمومی و ...) با این که مربوط به مسائل دنیوی هستند، تفسیر دنیوی ندارند؛ بلکه سیرتی الهی و دینی دارند و دستیابی به آن‌ها، هم منجر به بهبود زندگی اجتماعی و هم موجب تقرب انسان به خداوند می‌گردد.

- عبادات، هنگامی که بعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کنند، ارزش بیشتری می‌یابند.
- در برخی روایات، مسئولیت متقابل امت و امام، مهم‌ترین مسئولیت شناخته شده است. امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت‌های غیرالهی خودداری کند و در شکل‌گیری امامت و ولایت الهی، براساس موازین اسلامی هوشمند و فعال باشد.

مقبولیت و مشروعیت حقیقی هم می‌توانند با یکدیگر باشند و هم می‌توانند جدا از یکدیگر باشند. بر این اساس:

۱) اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی.

۲) هنگامی که قدرت برخلاف قانون الهی باشد اما تبعیت از آن با رضایت صورت گیرد؛ قدرتی مقبول ولی غیرمشروع شکل می‌گیرد. (در جامعه دینی، قدرت غیرمشروع نمی‌تواند مقبولیت داشته باشد.)

سیاست/نظام سیاسی

سیاست: هرگاه قدرت اجتماعی برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، سیاست پدید می‌آید. به عبارت دیگر، سیاست اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین است.

نظام سیاسی: مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

تعامل نظام سیاسی و نظام فرهنگی

در یک جامعه، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر (فرهنگی، اقتصادی و ...) باشد؛ بلکه در تعامل با آن‌ها قرار می‌گیرد.

نمونه‌هایی از تأثیرات نظام سیاسی و فرهنگی در جدول زیر منعکس شده است:

تأثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی	تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی
<p>۱) نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تأمین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را تأمین می‌کند.</p>	<p>۱) نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تأمین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را تأمین می‌کند.</p>
<p>۲) اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی یا تحت تأثیر عوامل خارجی، از ارزش‌های فرهنگی عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می‌دهد.</p>	<p>۲) اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی یا تحت تأثیر عوامل خارجی، از ارزش‌های فرهنگی عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می‌دهد.</p>

انواع نظام‌های سیاسی

(ملاک‌های دسته‌بندی نظام‌های سیاسی)

جامعه دارای هویت سیاسی است و با پذیرش یک نظام سیاسی خاص، هویت سیاسی پیدا می‌کند.

نظام‌های سیاسی را می‌توان براساس ملاک‌های گوناگون دسته‌بندی کرد:

الف) براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده؛ با این ملاک نظام‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱) نظام‌هایی که در آن‌ها یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد.

۲) نظام‌هایی که در آن‌ها اقلیتی تصمیم‌گیرنده است.

۳) نظام‌هایی که در آن‌ها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارند.

ب) براساس روش تصمیم‌گیری؛ با این ملاک نظام‌های سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱) نظام‌هایی که در آن‌ها حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می‌گیرند.

۲) نظام‌هایی که در آن‌ها حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

ج) براساس دین‌مداری یا دنیامداری: نظام‌های سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابند. نظام سیاسی دنیامدار، فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این جهانی را مدنظر قرار می‌دهد.

ملاک‌های دسته‌بندی نظام‌های سیاسی از نظر ارسطو

ارسطو از دو ملاک اول و دوم برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده کرده و از ۶ نوع نظام سیاسی نام برده است. در سه نوع از این نظام‌های سیاسی، یک فرد، اقلیت یا اکثریت براساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.



ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران



مفاهیم کلیدی

ویژگی‌های جمعیتی / گسترش جامعه و فرهنگ / سالمندی جمعیت / سیاست‌های جمعیتی / هویت اقتصادی ایران / اقتصاد نفتی / اقتصاد تک‌محصولی / هویت اقتصادی جوامع غربی / اقتصاد سرمایه‌داری / اقتصاد مقاومتی

ویژگی‌های جمعیتی

در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی آن‌ها اشاره می‌شود؛ زیرا جمعیت هر جامعه بخشی از هویت آن جامعه محسوب می‌شود. تعداد جمعیت، جوان و پیر، روستایی و شهری، بیکار و شاغل بودن و ... از ویژگی‌های جمعیتی یک جامعه است.

رابطه جمعیت با هویت جامعه

رابطه جمعیت و گسترش فرهنگ

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. اگر اعضای یک جامعه از بین بروند، آن جامعه نابود می‌شود و بسیاری از فعالیت‌ها (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) بر زمین می‌ماند. گسترش یک جامعه از طریق گسترش فرهنگ آن صورت می‌گیرد. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن و پذیرفتن و عمل کردن به آن است. اعضای جامعه، حاملان و عاملان فرهنگ هستند و هر چه تعداد آن‌ها بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش می‌یابد. کاهش جمعیت یک جامعه نیز به محدود شدن گستره فرهنگ آن منجر می‌شود و امکان تسلط جوامع و فرهنگ‌های دیگر بر آن جامعه را فراهم می‌آورد. از این‌رو تأمین جمعیت مناسب برای یک جامعه، مسئله‌ای هویتی است.

هدف اسلام، گسترش فرهنگ توحیدی و اسلامی است. لازمه تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است؛ بنابراین اگر فرهنگ جامعه‌ای که قرار است با افزایش جمعیت، بسط یابد: ۱) فرهنگ حق باشد. ۲) اعضای این جامعه حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است.

پیامبر اسلام (ص) روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می‌کنند.

کاهش رشد جمعیت و پیامدهای آن

فرزندآوری نیاز فطری انسان و تأمین جمعیت جامعه، از کارکردهای اجتماعی مهم خانواده است. امروزه برخی جوامع غربی به دلایلی مانند بالارفتن سن ازدواج، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، مصرف‌گرایی و هزینه‌پنداشتن فرزندان، با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی مانند پیری و سالمندی جمعیت مواجه‌اند.

سیاست‌های جمعیتی

وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی مردم راهکارهایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

کشور ما، ایران، در دو برهه زمانی سیاست کاهش جمعیت را اجرا کرد:

۱) از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی (میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۱ به ۲/۷ درصد کاهش یافت).

۲) از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ ه.ش (میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت).

کاهش بیش از حد رشد جمعیت در سال‌های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت و در سال ۱۳۹۳ ه.ش، اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب شد که در آن به ضرورت‌هایی از جمله افزایش جمعیت، جوانی جمعیت، حمایت از زوج‌های جوان، فرهنگ‌سازی برای تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب ایشان، برنامه‌ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور و ... توجه شده است.

رابطه اقتصاد با هویت جامعه

ویژگی‌ها و هویت اقتصادی ایران

علاوه بر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و کشورها نیز دارای هویت اقتصادی هستند و از این‌رو در معرفی جوامع به ویژگی‌های اقتصادی آن‌ها اشاره می‌کنند؛ مانند اقتصادهای دانش‌بنیان، تک‌محصولی (اقتصاد نفتی)، سرمایه‌داری، سوسیالیستی، اسلامی و ... اقتصاد امروز ما نتیجه رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ما است. این اقتصاد از سویی دستاوردهای چشمگیری داشته است؛ مانند گسترش بهره‌مندی مردم از آب و برق و گاز و ارتباطات، ایجاد سدها و نیروگاه‌ها، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته‌ای و نانو، بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ، مقابله با تحریم‌ها، گسترش روحیه انفاق و توجه به مستضعفان، و از سوی دیگر با معضلاتی مانند تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی دست به گریبان بوده است.

اقتصاد نفتی و پیامدهای آن

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی به افزایش دارایی جامعه می‌انجامد، اما اگر به درستی از آن استفاده نشود، اقتصادی وابسته ایجاد می‌کند که رشد و افول آن به درآمد نفت وابسته است.

از پیامدهای اقتصاد نفتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) اقتصاد نفتی، اقتصادی تک‌محصولی است و به دلیل آن که درآمدی هنگفت و بدون زحمت ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که وابسته به نفت است.

۲) دولت بزرگی به وجود می‌آورد که می‌کوشد به کمک درآمدهای نفتی (و نه رواج کسب و کار) رفاه اقتصادی را تأمین کند.

۳) اقتصاد تک‌محصولی می‌تواند در کوتاه مدت، احساس رفاه برای مردم به ارمغان آورد، اما این رفاه پایدار نیست.

۴) اقتصاد تک‌محصولی، وضعیت شکننده‌ای را به وجود می‌آورد که زمینه سوء استفاده قدرت‌های جهانی را فراهم می‌کند. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اتخاذ شده است تا اولاً درآمدهای نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور جلوگیری نمایند.

هویت اقتصادی جوامع غربی

غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری، عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است. هویت انسان‌ها و جوامع به دارایی و توان اقتصادی آن‌ها وابسته است. جوامع غربی هیچ مانعی را بر سر راه اقتصاد خود برنمی‌تابند و شیوه‌های ناسازگار با اقتصاد سرمایه‌داری را در سراسر جهان نابود می‌کنند. آن‌ها پاشنه آشیل (نقطه ضعف) ایران اسلامی را اقتصاد آن می‌دانند؛ از این‌رو جنگ اقتصادی تمام‌عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.

اقتصاد مقاومتی

ایران اسلامی قصد دارد هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و از طریق اقتصاد مقاومتی بازسازی کند.

اقتصاد مقاومتی؛ الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم حیات‌بخش اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، امید، همبستگی و حضور فعال در جهان، برای مردم ایران پیشرفت همراه با عدالت و برای جهان اسلام و بشریت، الگویی از رشد و شکوفایی به ارمغان می‌آورد.